

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سرمدیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۵۴۵/۳۵۱ رده بندی کنگره: ۹۳۳/۲

خدمات اجتماعی به بزه دیدگان جزایی در حقوق ایران

احمد رضاییان راد^۱

حامد مینا

چکیده

جرم رفتاری است ضد اجتماعی که به سبب ایجاد اختلال در نظم عمومی، اقامه دعوی علیه مرتکب آن را موجب می گردد. در گذشته های دور و در دوران دادگستری خصوصی، در اغلب موارد، زیان وارده به جامعه از خسارتی که متوجه مجنی علیه می گردید قابل تفکیک نبود و به همین دلیل نیز دو دعوی عمومی و خصوصی و به تبع آنها، دو روش مختلف رسیدگی به دعاوی کیفری و حقوقی وجود نداشته است. با گذشت زمان و تحول جوامع و خروج آنها از حالت قبیله ای و عشیره ای و به دیگر سخن، تشکیل دولت و تشخیص و تسجیل منافع عمومی، زیان وارده بر جامعه، از خساراتی که ممکن است بر اثر ارتکاب جرم به شهروندان وارد شود جدا شد و اعلام جرم نه فقط حق مجنی علیه بلکه حق و تکلیفی برای سایر افراد جامعه تلقی شد و تعقیب بزهکاران بر عهده دولت قرار گرفت. با پیدایش دولت، جرم به دو اعتبار مورد توجه واقع شد؛ نخست، به اعتبار خساراتی که بر پیکره اجتماع وارد می ساخت و دوم به سبب خساراتی که متضرر از جرم یا همان بزه دیده را متأثر می نمود. مع الوصف این عقیده ظهور پیدا می کند که جرم یا بزه بیش از آنکه عملی

^۱ نویسنده مسئول

علیه شخص متضرر از جرم باشد، اقدامی است ضد اجتماعی و علیه دولت که واکنش اجتماعی را در قبال آن می‌طلبد. این تفکر باعث می‌شود دستگاه عدالت کیفری دفاع از جامعه و منافع عمومی را در اولویت رسالت خود قرار داده و به تبع آن، منافع بزه دیده یا شخص متضرر از جرم جنبه ثانوی و فرعی پیدا نماید. این در حالی است که وقوع جرم، آثار و پیامدهای متعددی بر شخص متضرر از جرم داشته و در واقع متضرر اصلی جرم همان بزه دیده می‌باشد.

بخش اول: رویکرد بین المللی به بزه دیده شناسی و حقوق بزه دیدگان

مساعدت به بزه دیدگان بین المللی شامل توریست های بزه دیده، کودکان و افرادی که در معرض بهره کشی اقتصادی از طریق سوءاستفاده جنسی از آنها می باشند، قربانیان تروریست و... با توجه به جنبه بین المللی داشتن موضوع نیازمند درگیر شدن و مشارکت کشورها و دولت های مختلف دنیا می باشد که این امر چالش ها و مسایل خاص خود را به دنبال خواهد داشت.

بند اول: ظهور مسایل مرتبط در کمک به بزه دیدگان بین المللی

بزه دیدگان بین المللی و مساعدت و خدمات رسانی به آنان چالش ها و مسایل مختلفی را پیش روی دولتها قرار داده است. افزایش گردشگری و جهانگردی و مراودات بین المللی مابین ملل مختلف گرچه در وهله اول نشانه پویایی و رشد و شکوفایی کشورها بالاخص در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... می باشد، لکن خواسته یا نخواستہ عواقب و پیامدهای نامطلوب و ناگواری را نیز به دنبال دارد که از جمله آن می توان به افزایش میزان جرم و بزهکاری و به تبع آن افزایش میزان بزه دیدگی افراد اشاره نمود. کشورهای مهاجرپذیر، کشورهایی که در جهت جذب توریست و گردشگر هستند و از همه مهمتر کشورهایی که به دلایل و انگیزه های مختلف اعم از اقتصادی و سیاسی و... هدف حملات و عملیات تروریستی و انتحاری قرار می گیرند معمولاً با بزه دیدگانی مواجهه می شوند که اغلب تبعه آن کشورها نبوده و با قوانین و مقررات، فرهنگ، زبان و در کل محیط و عرف حاکم بر آن کشورها کمتر آشنایی داشته و یا اینکه اصلاً آشنایی ندارند. این امر مشکلاتی را هم برای دولتها و هم برای بزه دیدگان به دنبال دارد؛ در حقیقت این نوع از بزه دیدگان علاوه بر تحمل نتیجه های مستقیم و غیرمستقیم ناشی از جرم بایستی

بر مشکلات دیگری از قبیل عدم پاسخگویی مناسب مقامات و مسئولین کشور میزبان، عدم آشنایی به زبان کشور محل وقوع بزه، عدم برخورداری از حمایت افراد خانواده و نزدیکان و... فائق آید.

بند دوم: خدمات رسانی به توریستهای بزه دیده

در سرتاسر دنیا اقتصادهای وابسته به توریست انواع برنامه‌های جامع و امیدوارکننده در جهت چگونگی مواجهه با افزایش تعداد توریستهای بزه دیده، به اجرا درآورده‌اند. بسیاری از این برنامه‌ها هم به توریست بین‌المللی و هم داخلی مساعدت می‌کنند. برنامه‌های کمک به توریستهای بزه دیده که در ایالات متحده آمریکا اجرا شده‌اند در شهرهای نیویورک، اورلاندو در ایالت فلوریدا و در سرتاسر هاوایی می‌باشند. همچنین این برنامه‌ها در دوبلین ایرلند، آمستردام هلند، بوینس آیرس آرژانتین، شهر سن خوزه در کاستاریکا و در سرتاسر نیوزیلند در دسترس هستند. خدمات ارائه شده توسط این برنامه‌ها عبارتند از: جایگزینی اوراق هویت شخصی، مساعدت در نقل و انتقال و اجاره نمودن اتاق، مساعدت پزشکی اضطراری، مشاوره و حمایت از طریق سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها، خدمات مربوط به سوگواری^۱ و خدمات مربوط به برقراری ارتباط.^۲ بنابراین «سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و هیأت‌های نمایندگی خارجی می‌توانند به نخستین محل‌های دریافت کمک برای بزه دیدگانی که در حال مسافرتند یا در خارج از کشور زندگی می‌کنند، تبدیل شوند. افرادی که در یک کشور بیگانه بزه دیده می‌شوند اغلب از

^۱ - Bereavement

^۲ - Beaty, David and Others, New Direction from The Field: Victims' Rights and Services for 21th

Century, (U.S. Department of Justice, Office of Justice Program, Office for Victims of Crime), Washington D.C, 2006, p.419.

صحبت کردن به زبان رسمی آن کشور ناتوان‌اند یا با نظام کیفری آن کشور آشنایی ندارند. بنابراین آنان در جستجوی گرفتن مشاوره و خدمات از سفارتخانه یا کنسولگری خود برمی‌آیند. کارکنان سفارتخانه باید در زمینه موضوع‌های مربوط به بزه دیده -از جمله تأثیر بزه دیدگی و خدمات در دسترس پرداخت غرامت و آموزش ببینند. چگونگی رفتار کارکنان سفارتخانه با بزه دیده می‌تواند تأثیر مهمی در فرآیند التیام بخشی بزه دیده داشته باشد. کارکنان سفارتخانه باید به شیوه‌های مناسبی در مورد پاسخگویی به بزه دیدگان و نیز در خصوص ارجاع مناسب آنان به کارگزاری‌های کشورهای بیگانه و کشور خود آموزش ببینند. مکزیکن مدل ویژه ای برای کمک به بزه دیدگان همراه با واحد ویژه ای که برای حساسیت‌زایی در کارکنان دیپلمات و کنسول در خصوص موضوع‌های مربوط به بزه دیده کار می‌کند، طرح ریزی کرده است. این کارکنان می‌توانند به تلاش برای پیشگیری از بزه دیدگی مهاجران نیز کمک کنند»^۱. علاوه بر موارد مذکور، پیشنهادات زیر می‌تواند در جهت خدمات رسانی هرچه بیشتر و بهتر و مساعدت به توریست‌ها مد نظر قرار گیرد؛^۲

۱. همکاری و تعامل نهاد مجری قانون با متخصصان صنعت توریسم جهت شناسایی و توجه به نیازها و نگرانیهای مربوط به جرم علیه توریست‌ها،

۲. آموزش پلیس و دیگر نهادهای خصوصی امنیتی جهت تشخیص دادن و توجه نمودن به نگرانیهای امنیتی توریست محور،

۳. تسهیل امکان ادای شهادت توریست‌های بزه‌دیده در پرونده‌های کیفری،

^۱ شایان، علی عدالت برای بزه‌دیدگان، ترجمه، چاپ اول، تهران، نشر سلسبیل، ۱۳۸۴، صص ۱۷۴-۱۷۵.

۲- جهت مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک. به:

W. Glesnor, Ronald and J. Peak, Kenneth, Crimes Against Tourists, (U.S. Department of Justice, Office Of Community Oriented Policing Services), Washington D.C, August 2004, p-p.7-11, www. cops. usdoj. gov (last visit: 22/11/2007)

۴. اعمال مالیات‌های بیشتر بر مناطق توریستی جهت حمایت از ضوابط امنیتی ویژه و خاص،

۵. ترغیب متصدیان هتل و رستورانها و مسافرخانه‌های بین‌راهی^۱ جهت اتخاذ و پذیرش اصولی که منجر به افزایش ضریب ایمنی توریستهای مقیم آن مراکز می‌گردد،

۶. اعطای پاداش برای اطلاعات ارائه شده از جانب مردم که منجر به دستگیری و محکومیت مرتکبان جرایم علیه توریستها، گردد.

۷. آموزش توریستها در جهت کاهش خطر بزه‌دیدگی آنان،

بخش دوم: خدمات رسانی به بزه‌دیدگان تروریسم

بحرانهای بین‌المللی از قبیل حملات تروریستی در برگیرنده بزه‌دیدگان و بازماندگانی از بسیاری از کشورهای مختلف می‌باشند. مسؤولان محلی گاهی اوقات به علت عدم آموزش، منابع و موانع فرهنگی و زبانی قادر به مداخله مؤثر نیستند. به علاوه به دلیل بغرنجی و پیچیدگی تحقیقات بین‌المللی که اساساً شامل حوزه‌های قضایی متعددی است، حقوق، نیازها و خدمات قابل دسترس برای بزه‌دیدگان ممکن است نادیده انگاشته شود. اعضای بازمانده خانواده‌ای که اشخاص نزدیک آنان توسط تروریستها در کشورهای مختلف کشته شده‌اند، از نبود خدمات مناسب برای بزه‌دیدگان و خانواده‌هایشان بعد از وقوع حادثه، اظهار نگرانی‌های متعددی دارند. بالاخص اینکه آنها از مقررات و رویه‌های اطلاع‌رسانی بعد از مرگ اشخاص نزدیک، سلسله مراتب اداری که دسترسی به اطلاعات پرونده را برای آنان مشکل می‌کند و مهمتر از همه از فقدان اطلاع‌رسانی به روز و منظم توسط مسؤولان دولتی درخصوص وضعیت پرونده و تعامل و همکاری ضعیف مابین نهادهای دولتی درگیر

^۱. Motel

پرونده، اظهار نارضایتی می‌کنند. در ایالات متحده آمریکا تعدادی از سازمانها، مساعدت‌های ارزشمندی را به بزه‌دیدگان تروریسم بین‌المللی و خانواده‌هایشان فراهم می‌کنند. به عنوان مثال «سازمان ملی کمک به بزه‌دیده»^۱ در سال ۱۹۸۰ با اعضای خانواده گروگانهای آمریکایی در ایران و لبنان فعالیت نمود؛ بدین صورت که جلسات گروهی را تشکیل داد، بولتن خبری برای خانواده گروگان‌ها تهیه کرد و جهت برقراری تماس با نهادهای دولتی به آنان مساعدت نمود. در سال ۱۹۹۰ کتاب راهنمایی با عنوان «مقابله با بحران عراق/کویت»^۲ برای دوستان و اعضای خانواده آمریکائیان بازداشت شده در عراق و کویت منتشر کرد و همچنین NOVA تیمهای پاسخگویی به بحران را در کشورهایی از قبیل ژاپن، کانادا، بوسنی و کرواسی تشکیل داد.^۳ در کشور فرانسه نیز این امکان با «قانون ترمیم خسارت قربانیان جرایم خشونت بار مصوب ۱۹۷۷ ایجاد شده است. از آن تاریخ تا کنون، اصل خسارت زدایی از قربانیان همواره تقویت شده است و متعاقب آن ایجاد «صندوق تضمین خسارات ناشی از اعمال تروریستی» در سال ۱۹۸۶ و ایجاد «صندوق تضمین اعمال تروریستی و سایر جرایم (قانون دوم ژوئیه ۱۹۹۰) امکان عملی جبران خسارتها را فراهم آورده است».^۴

«صندوق تضمین خسارات قربانیان جرایم تروریستی و سایر جرایم» که به منظور ترمیم سریع خسارتهای بزه‌دیدگان تعبیه شده است تا حدود زیادی به همبستگی ملی متکی

^۱- National Organization for Victim Assistance (NOVA)

^۲- Coping with the Iraq/Kuwait crisis

^۳- Beaty, David and Others, New Direction from the Field: Victims' Rights and Services for 21th

Century, (U.S. Department of Justice, Office of Justice Program, Office for Victims of Crime, Washington D.C, 2006, P. 420.

^۴- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، جرم‌شناسی (بزه دیده شناسی)-تقریرات، دوره فوق لیسانس حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳، ص ۴۷.

است. سابقه این روش را در برداشت یک مبلغ اضافی از کلیه قراردادهای بیمه منعقد در فرانسه و سپردن آن به صندوق تضمین و ترمیم خسارات ناشی از بمب‌گذاریها، می‌توان جستجو نمود. امروزه این ابداع به کلیه قربانیان تسری یافته و رفع پیامدهای بزه‌دیدگی مالی برعهده همه شهروندان مستقر شده است. بنظر می‌رسد تمامی شهروندان تاحدی مسئول ناامنی هستند و باید بهای انحرافات موجود در جامعه را بنحوی پرداخت کنند. در هر حال جهت‌گیری‌های بزه‌دیده‌شناسی اخیر مبنا و اساس ایجاد این کمیسیون می‌باشد و بدینوسیله صندوقهای دولتی قادرند بجای مباشر و مقصر، خسارتهای بزه‌دیده را ترمیم نمایند.^۱

بند اول: حقوق بزه‌دیدگان

با تعدیل دیدگاههای حاکم بر عدالت کیفری کلاسیک رفته رفته این نظریه قوت و شکل گرفت که جرم بیش از آنکه تعرض به قانون جزا- به عنوان بارزترین و رسمی‌ترین مظهر قدرت عمومی- تلقی شود یک تعرض واقعی و ملموس به انسانهاست و در حقیقت این بزه‌دیدگان هستند که متضرر اصلی جرم می‌باشند. لذا این دیدگاه اساسی‌ترین هدف نظام عدالت کیفری را ترمیم و تصحیح خطا و اشتباه و جبران لطمات و صدمات و احیای فرصت‌ها و امیدهای از دست رفته افراد و التیام احساسات جریحه‌دار شده و اعاده آرامش و امنیت سلب شده و ترمیم روابط انسانی گسسته شده در میان تک تک افراد متأثر از جرم تلقی می‌نماید. بدین جهت است که امروزه در اکثر نظام‌های عدالت کیفری بزه‌دیده به عنوان شخص متضرر از جرم دارای حقوق متعددی شده است؛ حقوقی که تضمین‌کننده کرامت انسانی بزه‌دیده و رفتار منصفانه با اوست و دربرگیرنده طیف وسیعی از حقوق و خواسته‌های بزه‌دیده می‌باشد.

^۱ - همان، ص ۴۸.

بند دوم: حقوق غیرمالی

جرم خسارات جسمانی و مالی و عاطفی متعددی بر بزه‌دیدگان خود وارد می‌کند و بدین جهت بزه‌دیدگان در فرآیند جنایی خواسته‌ها و نیازها و حقوق متعددی پیدا می‌کنند که از جمله آن می‌توان به حقوق غیرمالی اشاره کرد. حقوق غیرمالی با تأکید بر حس همدردی و احترام به شأن بزه‌دیدگان، دربرگیرنده طیف وسیعی از حقوق مبتنی بر نیازها و خواسته‌های آنان است که بیش از آنکه جنبه ترمیمی و جبران خسارت یا پرداخت غرامت داشته باشد بر رفتار منصفانه و احترام به کرامت انسانی بزه‌دیدگان تأکید دارند. رعایت این حقوق و ترغیب یا الزام دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری به اجرای آن می‌تواند تأثیر چشمگیری بر فائق آمدن بزه دیده بر آثار و عواقب بعدی جرم و بزه دیدگی ثانوی ناشی از آن داشته باشد. از جمله این حقوق می‌توان به حقوق مربوط به نحوه قانونگزاری، حقوق مربوط به نحوه رسیدگی، حق آگهی یا اطلاع رسانی، حق حمایت در مقابل تهدیدات و... اشاره کرد. لذا مبحث حاضر اختصاص به احصاء این حقوق و بررسی اجمالی آن موارد دارد که در مجموع در پنج گفتار ارائه می‌شود. گفتار اول به حقوق مربوط به نحوه قانونگذاری و گفتار دوم به حقوق مربوط به نحوه رسیدگی اختصاص دارد. در گفتار سوم حق آگهی یا اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان و در گفتار چهارم نیز حقوق مربوط به نحوه عملکرد مجریان برنامه‌های بزه دیده مطالعه خواهد شد و نهایتاً در گفتار پنجم حقوق متفرقه دیگر که در قالب تقسیم‌بندی فوق قابل احصاء نبود به صورت جداگانه و اجمالی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. شایان ذکر است این نوع تقسیم‌بندی موضوعیت نداشته و فقط به جهت تشابه محتوایی و سهولت در درک و بررسی حقوق بزه‌دیدگان صورت گرفته است. تدوین قوانین مورد نیاز اجتماع از شاخصه‌های مهم یک جامعه مدنی است، بطوری که در حال حاضر می‌توان یکی از معیارهای تفکیک جوامع پیشرفته از دیگر

جوامع را همین قانونگزاری و نحوه آن برشمرد. هرگاه عرف جامعه، مقتضیات زمانی و مکانی و دیگر عوامل، آحاد مردم یا قشر خاصی از افراد جامعه را مستحق حق یا حقوقی بدانند مقنن در مقام دفاع از آن حقوق برآمده و گاه‌آ نیز ضمانت‌اجراهایی را پیش‌بینی می‌کند. در این خصوص بزه‌دیدگان را می‌توان قشر خاصی از افراد جامعه دانست - هر چند احتمال بزه دیده واقع شدن تک‌تک افراد یک جامعه وجود دارد که به سبب تحمل جرم، مستحق حقوق متعددی می‌شوند. از آنجایی که مقید بودن به متون قانونی و حرکت در چارچوب قانون از جمله خطوط قرمز عملکرد دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری است، لذا بدون وجود قوانین حمایتی در خصوص بزه‌دیدگان، الزام آن دست‌اندرکاران به رعایت و اجرای حقوق بزه‌دیدگان، دشوار بوده و گاه‌آ ممتنع می‌نماید. بدین جهت است که تدوین و تصویب یا اصلاح قوانین حمایتی در خصوص به رسمیت شناختن حقوق بزه‌دیدگان، می‌تواند ضمانت اجرای مناسبی جهت اعمال حقوق آنان بوده و از کسانی که در رعایت و اجرای حقوق بزه‌دیدگان اکراه دارند سلب بهانه نماید. بدین جهت بنظر می‌رسد به رسمیت شناختن حقوق بزه‌دیدگان در قوانین اساسی که پایه و اساس قوانین عادی کشورها می‌باشد و در مرحله بعدی تجویز و به رسمیت شناختن آن حقوق در قوانین عادی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر باشد.

بخش سوم: حقوق مربوط به نحوه عملکرد مجریان برنامه‌های بزه‌دیده

جرم آثار و پیامدهای متعددی بر بزه‌دیدگان خود تحمیل می‌کند و از این رهگذر نیز در فرآیند جنایی، خواسته‌ها و حقوق گوناگونی را برای بزه‌دیدگان می‌توان متصور شد. این امر ضرورت تهیه و تدوین قوانین و برنامه‌های مرتبط با بزه‌دیدگان و حمایت و مساعدت به آنان را بیش از پیش آشکار می‌سازد. لکن یکی از اساسی‌ترین مراحل تهیه و تدوین این برنامه‌ها الزام دست‌اندرکاران مربوطه به رعایت و اجرای حقوق بزه‌دیدگان در فرآیند

جنایی است. عدم التزام این مجریان پایمال کننده بسیاری از حقوق بزه‌دیدگان بوده، امکان دارد به بزه دیدگی ثانوی بینجامد. لذا به نظر می‌رسد اعمال تدابیر نظارت و کنترل بر مجریان برنامه‌های بزه دیده، آموزش مستمر و مبنایی آنان و در صورت ضرورت تعیین ضمانت اجراهای متناسب برای دست‌اندرکاران متخلف، امری ضروری باشد.

بند اول: الزام نهادهای عدالت جزایی به اعمال تدابیر نظارت و کنترل بر اعمال کارکنان

نهادهای عدالت کیفری بایستی تدابیر نظارتی در مورد منطبق بودن عملکرد شان با قوانین مربوط به حقوق بزه‌دیدگان را اعمال نمایند و ملزم به این شوند که با ارائه سند آشکار و واضح نشان دهند که آیا حقوق بزه‌دیدگان برای آنان فراهم شده است یا خیر و در غیر این صورت دلیل مقتضی و مناسب ارائه دهند. به علاوه اینکه بازرسان مستقل بایستی عملکرد نهادهای دولتی را در مطابقت با قوانین مربوط به حقوق بزه‌دیدگان، بررسی نمایند. مؤسسات و نهادهای عدالت کیفری بایستی اصولی را طراحی و اجرا نمایند تا اینکه تضمین کنند به تمامی بزه‌دیدگان جرم، فرصت اعمال حقوق‌شان داده شده است. نظارت و کنترل بایستی در تمامی مراحل نظامهای عدالت الزامی باشد. نهادهای کیفری بایستی مستنداً اعلام نمایند که آیا به بزه‌دیدگان آگاهی و فرصت اعمال حقوق‌شان داده شده است و اگر چنین آگاهی و فرصتی داده نشده، دلیل آن چه بوده است. چنین ارائه سندی، اقدامی برجسته در جهت مسئول دانستن مستخدمین و کارمندان می‌باشد و نهادها را قادر می‌سازد که بر منطبق بودن عملکردشان با الزامات قانونی، کنترل و نظارت داشته باشند.

بند دوم: آموزش مستمر و مبنایی کارمندان

آموزش مستمر و مبنایی تمامی متخصصان عدالت کیفری بایستی حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان را مد نظر قرار داده و با درگیر نمودن و دخیل دانستن خود بزه‌دیدگان در چنین برنامه‌هایی، یکپارچه و سازماندهی شود. این متخصصان بایستی در خصوص اهمیت

مسئولیت‌های بزه‌دیده محورشان تحت آموزش قرار گیرند و نسبت به نیازهای اساسی بزه‌دیدگان حساسیت نشان دهند. حضور و مداخله بزه‌دیدگان در چنین برنامه‌های آموزشی، ضروری است چه آنکه هیأت‌های بزه‌دیده که از خود بزه‌دیدگان تشکیل می‌شود وسیله‌ای را برای بزه‌دیدگان فراهم می‌کند تا درمورد اثرات عاطفی، مالی و فیزیکی جرم با متخصصان عدالت جنایی گفتگو نمایند.

بند سوم: تعیین ضمانت اجرا برای کارکنان متخلف

بزه‌دیدگان بایستی موقعیت اعمال و اجرای حقوق‌شان را داشته باشند و برای متخصصان عدالت کیفری که از اجرای حقوق اساسی بزه‌دیدگان استنکاف می‌نمایند، بایستی ضمانت اجراهایی اعمال شود. گرچه در ایالات متحده آمریکا بیش از ۲۷۰۰۰ قانون فدرال و ایالتی در جهت حمایت و اجرای منافع، حقوق و خدمات بزه‌دیدگان تصویب شده است، لیکن اجرای مستمر و اعمال آن قوانین، محل بزرگ نگرانی است. بزه‌دیدگان می‌گویند زمانیکه مسئولان نظام عدالت کیفری، حقوق اساسی و قانونی بزه‌دیدگان را نادیده می‌گیرند، آنان برای بیان نادیده گرفته شدن حقوق‌شان هیچ منبع قانونی ندارند. بنابراین بایستی مقرراتی در این زمینه وضع شود تا بزه‌دیدگانی که مورد بی توجهی واقع می‌شوند، معیار و ابزاری برای اعمال حقوق‌شان در اختیار داشته باشند.

بند چهارم: ایجاد ساز و کارهای مالی

در جهت حمایت از توسعه و اجرای حقوق و خدمات بزه‌دیدگان بایستی ساز و کارهای مالی جدیدی ایجاد شود. به عنوان مثال در آمریکا از زمان تأسیس «صندوق بزه‌دیدگان جرم»^۱ بیش از ۲ میلیارد دلار در جهت مساعدت در اجرای حقوق و خدمات بزه‌دیدگان

^۱ - Crime victim fund

به ایالتها پرداخت شده است. برخی ایالتها از «حق الزحمه صدور جواز»^۱ که برای نوع خاصی از خدمات صادر می‌شود بعنوان منبعی برای مساعدت به بزه‌دیدگان استفاده می‌کنند. معروفترین این حق الزحمه‌ها به اسناد ازدواج تعلق می‌گیرد که عموماً برای تأمین مالی برنامه‌های ایجاد سرپناه در خشونت‌های خانوادگی استفاده می‌شود. در برخی موارد، حق الزحمه‌های اضافی مربوط به صدور سند ازدواج و تصدیق ولادت، برای پیشگیری و درمان سوء استفاده از کودکان بکار می‌رود. برخی ایالتها نیز مبلغ ناچیزی بین ۵ تا ۱۰ دلار در تمامی پرونده‌ها بعنوان «حق الزحمه دادگاه» اخذ و از آن برای ارائه خدمات به بزه‌دیدگان استفاده می‌نمایند.^۲ مهمترین دغدغه خاطر بزه‌دیدگان جرایم پیش از آنکه اجرای مجازات بزهکار باشد جبران خسارتی است که از رهگذر وقوع جرم متحمل شده‌اند.^۳ گرچه قاعده اولی آن است که بزهکار مسئول جبران خسارت بزه‌دیده باشد، لکن واقعیت نشان می‌دهد امور متعددی باعث می‌شود تمام یا بخشی از خسارت بزه‌دیده توسط بزهکار جبران نشده باقی بماند. از جمله این امور می‌توان به شناخته نشدن بزهکار اشاره کرد که خود ناشی از عوامل مختلفی همچون ضعف دستگاههای انتظامی و یا قصور و تقصیر ایشان و نیز مهارت و هوش بزهکار در امحای جرم و عدم اقدام به موقع بزه‌دیده در شکایت کردن از بزهکار است. همچنین بزهکار گاه شناخته شده است ولی بنابه عللی همچون عدم کفایت ادله اثبات دعوا، فرار و کشته شدن و یا خودکشی بزهکار، طولانی بودن زمان

^۱ - License fees

^۲ - جهت مطالعه بیشتر در خصوص حقوق بزه دیدگان ر.ک. به:

Beaty, David and Others, New Direction from the Field: Victims' Rights and Services for 21th Century, (U.S.Department of Justice, Office of Justice Program, Office for Victims of Crime), Washington D.C, 2006, p-p.26-45.

^۳ - جاجی ده آبادی، احمد، از جبران خسارت بزه دیده توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، سال سوم، ش ۹، تابستان ۱۳۸۵، ص ۹۵.

رسیدگی و مهلت دار بودن پرداخت و نیز عدم کفایت درآمد بزهکار، خسارت بزه‌دیدگان جبران نمی‌گردد.^۱ شاید بنظر برخی توسعه صنعت بیمه در این خصوص بتواند راه گشا باشد، اما بایستی توجه داشت بیمه نمی‌تواند در همه خسارات ناشی از جرایم کارساز باشد. بدیهی است بزهکار بالقوه تنها می‌تواند مسئولیت ناشی از اعمال غیر عمدی خویش را بیمه نماید و هیچ بیمه‌گری بخاطر روشن نبودن نوع جرم ارتكابی و ریسک بالای پذیرش بیمه، حاضر نیست مسئولیت ناشی از اعمال عمدی دیگری را بیمه نماید و این در حالی است که اکثر جرایم عمدی‌اند و جرایم خطایی درصد کمی را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر برخی بزه‌دیدگان بالقوه نیز تنها نسبت به برخی جرایم همچون جرایم رانندگی و سرقت حاضر به بیمه کردن خود و اموال خودند و بعثت قطعی نبودن وقوع جرم و احتمال ضعیف قربانی شدن در سایر جرایم، حاضر به بیمه نمودن خود نیستند. همه این امور باعث شده نگاهها به سوی دولت متمرکز شود.^۲ جبران دولتی خسارت، امری فاقد سابقه و کاملاً جدید نیست، بلکه این موضوع در قوانین و نظامهای حقوقی دوران گذشته نمود داشته است. گرچه قدیمی‌ترین قانونی که اکنون در دسترس ماست و جبران دولتی خسارت در آن نمود دارد، قانون حمورابی است که متعلق به حدود قرن هفده قبل از میلاد است، اما نمی‌توان به طور قطع مدعی شد که قبل از حمورابی در هیچ نظام حقوقی و قضایی، جبران دولتی خسارت پیش‌بینی نشده بود،^۳ چرا که «ایده پرداخت غرامت به بزه‌دیده را می‌توان تا تمدن بابل قبل از ۲۳۸۰ سال پیش از میلاد و گروههای بومی در آمریکای لاتین و جاهای دیگر که از شیوه‌های عدالت اجتماعی غیر رسمی طی صدها سال استفاده کرده‌اند،

۱- همان، ص ۱۰۱.

۲- همان، ص ۱۰۲.

۳- همان، ص ۱۰۳.

دنبال کرد».^۱ اولین برنامه پرداخت غرامت به بزه دیدگان در جامعه امروزی در سال ۱۹۶۴ در نیوزیلند و بریتانیای کبیر بنابر طرح پیشنهادی قاضی بریتانیایی مارگرای فرای در اواخر سال ۱۹۵۰ میلادی تأسیس گردید. در ایالات متحده اولین برنامه پرداخت غرامت در سال ۱۹۶۵ در کالیفرنیا بوجود آمد.^۲ برنامه پرداخت غرامت بزه دیدگان جرم، پرداخت غرامت برای صدمات شخصی و فوت ناشی از جرایم خاص را فراهم می کند. اگر شما در نتیجه یک جرم صدمه دیده اید و یا اینکه عضو نزدیک خانواده شخصی که بواسطه جرم کشته شده، می باشید امکان دارد مستحق پرداخت غرامت شناخته شوید. حتی زمانی که صدمه وارد بر شما به هنگام کمک به یک افسر پلیس یا به هنگام تلاش برای جلوگیری از وقوع یک جرم بوجود آمده باشد، ممکن است پرداخت غرامت به شما تعلق بگیرد. تقاضای پرداخت غرامت مستلزم دستگیری مجرم نیست، لیکن بایستی جرم به پلیس گزارش شود. لیکن پرداخت غرامت محدود به این موارد نمی شود. در کشور دانمارک، اگر یک نفر شهروند عادی اقدام به انجام یک دستگیری قانونی نماید و از این حیث صدمه ای بر وی (خود شهروند) وارد گردد، ممکن است پرداخت غرامت به او تعلق بگیرد. بند الف از بخش اول قانون پرداخت دولتی غرامت به بزه دیدگان جرم (بخش صدمات جسمانی) دانمارک اشعار می دارد: «پرداخت غرامت و جبران خسارت برای صدماتی تعلق می گیرد که ناشی از نقض قوانین بوده و در داخل تمامیت ارضی دانمارک بوقوع پیوسته باشد. همچنین اگر صدمه وارده در راستای کمک به یک پلیس در ضمن [عملیات] دستگیری، یا در ارتباط با اعمال

۴- شایان، علی، عدالت برای بزه دیدگان، ترجمه، چاپ اول، تهران، نشرلسبیل، ۱۳۸۴، ص ۹۴.

^۲ - Ibid, p. 325.

^۳ - _____, Compensation for Victims of Crime Program, <http://www.gov.mb.ca/justice/victims/index.html> (last visit: 25/10/2007)

انجام شده توسط یک شهروند عادی برای یک دستگیری قانونی و یا [در ارتباط با] جلوگیری از جرایم کیفری باشد، مشمول پرداخت غرامت خواهد بود».^۱

بخش چهارم: خدمات بزه‌دیدگان در نهاد صدور حکم^۲

ترویج شناسایی و آگاهی قضایی از این مسأله که بزه‌دیدگان منافع مشروعی دارند که بایستی در همه مراحل رسیدگی‌های عدالت کیفری و صدور حکم در نظر گرفته شوند حمایت‌ها و خدمات اساسی را برای بزه‌دیدگان در نهاد صدور حکم فراهم خواهد آورد. بنابر این؛

- اظهار نظر و نگرانی‌های بزه‌دیدگان جرایم بایستی در نظام قضایی به رسمیت شناخته شده و نهادینه شود. قضات همانطور که بصورت معمول و کلیشه‌ای در مورد حقوق متهمان به آنان مشاوره و آگاهی می‌دهند، بایستی در مورد حقوق بزه‌دیدگان نیز به آنان مشاوره دهند.

قوه قضائیه در تضمین اینکه بزه‌دیدگان از حقوق شان مطلع شده، اظهارات آنان توسط مقامات مربوط استماع گردیده و منصفانه و براساس شرافت انسانی با آنان رفتار می‌شود، نقش اساسی دارد. اولین مرحله در این مسیر به رسمیت شناختن این نکته است که منافع و نیازهای بزه‌دیدگان و دادستانها همیشه یکسان و یک جور نیست. مشاوره شفاهی و

^۱ - Denmark State Compensation to Victims Of Crime (Consolidation) Act No.688 Of 28 June 2004, Part 1, Article 1(1), http://www.civilstyrelsen.dk / upload / en_ lovtekst_engelsk.pdf (last visit: 20/10/2007)

^۲ - جهت مطالعه بیشتر در این خصوص رک. به :

Beaty, David and others, New Direction from the Field: Victims' Rights and Services for 21th Century, (U.S. department of Justice, Office of Justice Program, Office for Victims of Crime), Washington D.C, 2006, p-p.104-115.

یا از طریق نوار ویدیویی و نوشتجات می‌تواند برای تشریح نظام عدالت و نقش کامل بزه‌دیده در آن مورد استفاده واقع گردد.

- قضات و همه پرسنل دادگاه در تمامی سطوح بایستی در مورد حقوق مربوط به بزه‌دیدگان جرایم، اثر جرم بر بزه‌دیدگان و خانواده‌های آنان و اینکه چگونه قوه قضائیه می‌تواند از حیث لفظ و معنی^۱ این حقوق را اجرا کند، آموزشهای اولیه و مستمر دریافت نمایند. این آموزشها بایستی شامل آموزش در مورد نیازهای خاص برخی از جمعیت بزه‌دیدگان از قبیل بزه‌دیدگان آسیب پذیر، باشد.

- قضات بایستی اجرای حقوق بزه‌دیدگان و خانواده‌های آنان در خصوص حضور در رسیدگی‌های دادگاه را تسهیل نمایند. استثنا در جایی خواهد بود که متهم ثابت کند حضور آنان با حقوق متهمان برای داشتن یک محاکمه عادلانه در تعارض است.

در آمریکا در برخی پرونده‌ها این حق فقط به رسیدگی‌هایی محدود می‌شود که متهم نیز در آن حاضر است. به علاوه اینکه، اکثر ایالتها که برای بزه‌دیدگان شرکت در جلسه دادگاه را مجاز می‌دانند، به قضات دادگاهها اختیار وسیعی در مستثنی کردن بزه‌دیده از حضور در دادگاه داده‌اند، تنها بدین جهت که حق متهم برای داشتن یک محاکمه عادلانه را حفظ کرده یا اینکه به جهت موقعیت خاص بزه‌دیدگان که به عنوان یک شاهد و گواه در پرونده‌ها مدنظر هستند، اقدام به جلوگیری از حضور بزه‌دیده در دادگاه می‌نمایند.

ملاحظات اجرایی و عملی نیز برخی مواقع از حضور بزه‌دیدگان در رسیدگی‌های قانونی جلوگیری به عمل می‌آورد. در پرونده‌های بسیار مهم یا پرونده‌های چند طرفینی^۲ معمولاً صندلی‌های کافی برای بزه‌دیدگان و اعضای نزدیک خانواده‌هایشان پیش‌بینی نمی‌شود.

^۱- Spirit and letter

^۲- Multiple – party

قضات بایستی جای مشخص برای بزه‌دیدگان در دادگاه مهیا کرده و از تکنولوژی جهت توسعه دسترسی بزه‌دیدگان به رسیدگی‌های دادگاه استفاده نمایند.

- قضات بایستی امنیت بزه‌دیده و اجتماع را در تمامی تصمیمات مربوط به قبل و بعد از آزادی متهمین مدنظر قرار دهند. به عنوان بخشی از هر دستور آزادی قبل از محاکمه شامل آزادی به قید کفالت، التزام یا وجه الضمانه شخصی^۱، قضات بایستی یک دستور «عدم تماس»^۲ بگنجانند تا بواسطه آن متهم یا مدعی علیه، بزه‌دیده یا خانواده بزه‌دیده را آزار و اذیت نکرده، تهدید و ارباب نموده یا مرتکب خشونت فیزیکی علیه آنان نگردد. اگر قضات علت احتمالی پیدا کردند که متهم، بزه‌دیده یا اعضای نزدیک خانواده وی را آزار و اذیت رسانده، تهدید و ارباب نموده یا خشونت فیزیکی علیه آنان مرتکب شده است، بایستی التزام یا وجه الضمان شخصی متهمان را الغاء نموده و دستور دهند که روانه بازداشت گردد.

- قبل از تحمیل یک حکم، قضات بایستی به بزه‌دیده، نماینده بزه‌دیده یا در صورتیکه مقتضی باشد به نمایندگان اجتماع اجازه دهند که اظهارات مؤثر بزه‌دیده را تسلیم دادگاه نمایند.

امروزه تمامی ایالت‌های آمریکا قوانین اظهارات مؤثر بزه‌دیده را تصویب کرده اند که به قضات این اجازه را می‌دهد که اثر عاطفی، فیزیکی و مالی یک جرم بر بزه‌دیده اش را سنجیده و حکم مناسب برای متهم در نظر بگیرند.

- قضات بایستی مداخله و حضور بزه‌دیدگان جرم در معاملات اتهام و احکام نهایی را تسهیل نمایند و این امر را الزامی کنند که دادستانها نیز ثابت نمایند تلاشهای معقولانه‌ای برای بزه‌دیدگان از جانب دادستانها صورت گرفته است.

¹ - Personal recognizance

² - No – contact

در صورتی که به بزه‌دیدگان فرصتی اعطا شود تا نظراتشان را در مورد معامله اتهام ارائه نمایند، تصمیمات قضات بهتر سازماندهی خواهد شد. بطور کلی قضات بایستی این امر را الزامی نمایند که تلاش‌های معقولانه‌ای برای بزه‌دید ارائه گردد، زمان و مکان «جلسات رسیدگی به اقرار»^۱ اطلاع داده شود و از حقش در خصوص حضور و استماع اظهار وی آگاه گردد. تا جائیکه امکان دارد دادگاه بایستی از نظرات بزه‌دیده در خصوص معاملات اتهام، مطلع گردد. با توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق پرونده‌ها از طریق معاملات اتهام مختومه می‌شود، بحث در خصوص این حقوق بزه‌دیدگان، محتاج تمرکزی دوباره بر این وضعیت اساسی در نظام عدالت کیفری است. استثنائات بر این قاعده بایستی فقط در شرایط خاص از قبیل پرونده‌هایی که دارای چندین بزه‌دیده یا اطلاعات محرمانه‌ای باشند، اعمال گردد.

- قضات به عنوان پیشروان در نظام عدالت جنایی، بایستی اطمینان حاصل نمایند که قوانین مصوب حقوق بزه‌دیدگان کاملاً به مرحله اجرا در می‌آید.

قضات بایستی همکاری نزدیکی با کانون و کلا در جهت ترغیب مذاکره و گفتگو مابین و کلا و اجتماع در خصوص مشکلات بزه‌دیدگان در نظام عدالت کیفری، داشته باشند. قضات بایستی آموزش و درک این نکته که را که بر طرف کردن مشکلات بزه‌دیدگان به معنی انکار حقوق متهمان نیست، ترویج و تشویق نمایند.

پیشرو بودن در جامعه بدین معنی است که قضات نسبت به استماع نظرات مردم یا جامعه در خصوص نظام عدالت کیفری، درک نیازهای اجتماع و ترغیب مشارکت و درگیری مردم در نظام عدالت جنایی مسئول باشند.

^۱ - Plea hearing

نتیجه گیری

بزه‌دیدگی بواسطه جرم و آسیب‌ها و پیامدهای متعدد ناشی از آن را می‌توان در یک نگاه کلی به دو گروه پیامدهای مستقیم و غیر مستقیم تقسیم بندی نمود. پیامدهای مستقیم بزه‌دیدگی، مستقیماً در نتیجه خود جرم ایجاد می‌شود. ارزیابی میزان چنین پیامدهایی برای بزه‌دیده مشکل است، زیرا تأثیر آنها همواره به یک اندازه نبوده و قابل تشخیص نیست. پیامدهای غیر مستقیم بزه‌دیدگی تنها پس از گذشت مدت زمانی آشکار می‌شود. برآورد این عواقب حتی از سنجش پیامدهای مستقیم جرم مشکل‌تر است و در مقایسه با پیامدهای مستقیم از اهمیت بیشتری برخوردار است. عواقب غیر مستقیم بزه دیدگی شامل هزینه‌های مراقب پزشکی، از دست دادن دستمزد و هزینه‌های حقوقی است که بزه‌دیده در نتیجه جرم متحمل می‌شود. این پیامدها را می‌توان با پیامدهای روانی جرم برای بزه‌دیده مرتبط دانست. عواقب و پیامدهای معمول که جرم ارتكابی به همراه دارد عبارتند از: احساس ترس، اضطراب، عصبی بودن، کناره گیری و رفتارهای گوشه گیرانه و غیره. این پیامدها فراگیر بوده و در شخص باقی می‌مانند. همچنین امکان دارد ترس از بزه‌دیدگی مجدد در بزه‌دیده بوجود آورند. علاوه بر این، پیامدهای اجتماعی جرم شامل عکس‌العمل‌های خانواده و وابستگان، محیط شغلی و نظام عدالت کیفری نیز قابل تأمل است، چه آنکه این عکس‌العمل‌ها امکان دارد به بزه‌دیدگی ثانوی شخص بینجامد. با این اوصاف شاید چنین بنظر برسد خواسته اصلی بزه‌دیدگان جرایم، در وهله اول بیش از آنکه اجرای مجازات بزهکار و برخورد قاطع با وی باشد، جبران خسارتی است که بواسطه وقوع جرم متحمل شده‌اند، لکن به تجربه ثابت شده است که جبران خسارت مادی ناشی از جرم تنها بخش کوچکی از خواسته‌ها و نیازهای بزه‌دیدگان می‌باشد. چه آنکه درد و رنج ناشی از جرایم برای بزه‌دیدگان مستقیم و غیر مستقیم بالاخص در جرایم خشونت بار از قبیل آدم

ربایی، زنای به عنف، سرقت مسلحانه مقرون به آزار و اذیت و ... چنان حدّت و شدّت دارد که حتی با مجازات و جبران خسارت مادی آنان نیز تسکین پیدا نمی کند. بنابراین بزه‌دیدگان نیازمند این هستند که دست اندرکاران نظام عدالت کیفری و جامعه محلی و اعضای خانواده از آنچه برای آنان اتفاق افتاده، درک صحیحی داشته و بی تفاوت از کنار آن نگذارند، به حرفها و درد دل‌های بزه‌دیدگان گوش فرا دهند، حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان را به آنان گوشزد نموده و اجرا کنند و در مجموع بزه‌دیدگان را به حالت ما قبل تحمل جرم و بزه باز گردانند.

منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها

- ۱- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده در فرآیند کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات خط سوم
- ۲- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده شناسی حمایتی، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر
- ۳- رایت، مارتین و مارشال، تونی و دیگران، عدالت ترمیمی (مجموعه مقالات)، ترجمه امیرسماواتی پیروز، چاپ اول، تهران، انتشارات خلیلیان
- ۴- شکری، رضا و سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم، تهران، نشر مهاجر
- ۵- عباسی، مصطفی، میانجیگری کیفری: افق‌های نوین عدالت کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشور
- ۶- غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت
- ۷- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی، چاپ هشتم، تهران
- ۸- کیانی، مهرزاد و گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی برای دانشجویان حقوق، چاپ اول، تهران
- ۹- محمد بیگی، علی اعظم، دانستنی‌های عمومی بیمه (جلد اول)، چاپ اول، تهران، انتشارات علی اعظم
- ۱۰- مهدی پور، کاظم، آنچه لازم است ضابطین دادگستری بدانند، چاپ

۱۱- هوارد، زهر، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، چاپ اول، تهران

،انتشارات مجد

ب) مقالات

۱۲- ابراهیمی، پیمان، مقاله «بزه دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی

ایران»، مجله حقوقی دادگستری، سال شصت و نهم، دوره جدید، ش ۵۲ و ۵۳

۱۳- حاجی ده آبادی، احمد، مقاله «از جبران خسارت بزه دیده توسط بزه کار تا جبران

خسارت توسط دولت»، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، سال سوم، ش ۹

۱۴- رایجیان اصلی، مهرداد، مقاله «بزه دیدگان: حقوق و حمایت‌های بایسته»، مجله پژوهش

حقوق و سیاست، سال هشتم، شماره نوزدهم

۱۵- صوفان عاکف، یوسف، مقاله «ابعاد تروریسم بین المللی و نقش پلیس در مبارزه با

آن»، ترجمه رضا محمدی ماوی، فصلنامه دانش انتظامی، سال چهارم، ش ۴

۱۶- هنری، حسین، مقاله «بیوتروریسم و نقش پلیس در مبارزه با آن»، فصلنامه دانش

انتظامی، سال سوم